

## بررسی ساخت فعل ماضی در گویش گیلکی شرق گیلان (شهرستان‌های لاهیجان و سیاهکل)

شکرالله پورالخاص<sup>۱</sup>

سیما رضایی<sup>۲</sup>

پیام فروغی راد<sup>۳</sup>

### چکیده

فعل، مرکز ثقل جمله است و از این جهت که در مبحث صرف به شکل مستقل می‌توان به فعل پرداخت، در صرف، بیش از مبحث نحو مورد تأکید است. در این پژوهش، به بررسی ساخت فعل ماضی در گویش گیلکی شرق گیلان (با محوریت شهرستان‌های لاهیجان و سیاهکل) پرداخته می‌شود و تلفظ و شیوه گویش گویشوران این منطقه مورد توجه است. هدف از انجام این پژوهش، شناخت و توصیف دقیق ساختار فعل ماضی در گویش گیلکی شرق گیلان است؛ لذا تلاش بر این است که در خصوص مباحثی از قبیل ساخت و کارکرد فعل ماضی، شناسه‌های فعلی، نشانه‌های نفی، نهی و استمرار در گویش گیلکی شرق گیلان (شهرستان‌های لاهیجان و سیاهکل) توصیفی دقیق و علمی ارائه شود. به همین منظور، برای ارائه مثال، از افعال ساده، پرکاربرد و نزدیک به زبان فارسی استفاده شده است. باید گفت میان گویش گیلکی شرق گیلان (لاهیجان و سیاهکل) و زبان فارسی تفاوت‌هایی از لحاظ وجه و نمود وجود دارد و تفاوت‌های آوایی و ساختاری و واژگانی بسیاری دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: گویش گیلکی، فعل ماضی، وجه، نمود، زمان.

---

<sup>۱</sup> دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول) Email: pouralkhas@uma.ac.ir

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

<sup>۳</sup> دانش‌آموخته دکتری دانشگاه محقق اردبیلی

## ۱. مقدمه

گوش گیلکی یکی از گویش‌های ایرانی است که در گروه گویش‌های حاشیه دریای خزر قرار دارد و در بخش وسیعی از گیلان و بخش‌هایی از مازندران بدان تکلم می‌شود. از دیدگاه زبان‌شناسی و آواشناسی تاریخی، گوش گیلکی و گویش‌هایی همچون تالشی و تاتی که در گیلان رواج دارند، همگی به شاخه زبان‌های شمال غربی ایران تعلق دارند (ر.ک. ارانسکی، ۱۳۷۸: ۱۶۲). این گوش، به دو گوش عمده غرب (بیه پس) و شرق (بیه پیش) تقسیم می‌شود. گوش گیلکی غرب در شهرهایی همچون رشت، خمam، بندر انزلی، فومن و نواحی هم‌جوار؛ و گوش گیلکی شرق در امتداد دریای خزر در شهرها و روستاهای مناطق شرقی این استان و نیز قسمت‌هایی از مازندران تکلم می‌شود.

امروزه، ضرورت مطالعه در مورد ساختار فعل‌های این گوش، از دو جهت احساس می‌شود. از سویی، گوش گیلکی، همچون بسیاری از گویش‌های ایرانی در معرض خطر نابودی تدریجی قرار دارد؛ بنابراین، ضبط و جمع‌آوری داده‌ها و توصیف مقوله فعل‌های این گوش، می‌تواند از اولویت‌های مطالعات زبانی به شمار رفته و کمک شایانی به پژوهشگران حوزه گوش‌شناسی و حفظ این گوش نماید. از سویی دیگر، فعل هر جمله را می‌توان مرکز ثقل آن جمله برشمرد و تنها جزء کلام است که از حیث شخص به اول شخص، دوم شخص و سوم شخص، از حیث شمار به مفرد و جمع صرف می‌شود. افزون بر این، فعل دارای خصیصه‌های دیگری چون زمان (مضارع، ماضی، آینده)، وجه (اخباری، التزامی، امری)، نمود (ساده، مستمر)، نشانه نفی و پیشوندهای تصریفی نیز است که این خصیصه‌ها در هیچ‌یک از اجزای دیگر جمله دیده نمی‌شود (ر.ک. طیب زاده، ۱۳۸۵: ۶۷ و وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۳: ۳۵). لذا، از آن‌جا که تاکنون پژوهش مستقلی در خصوص ساختار فعل در گوش گیلکی شرق گیلان (شهرستان‌های لاهیجان و سیاهکل) صورت نگرفته است و وجوه اشتراک فراوانی با سایر گونه‌های گوش گیلکی به‌ویژه نواحی شرق گیلان دارد، بررسی و توصیف دقیق عنصر فعل در این گوش می‌تواند در شناخت بسیاری از ویژگی‌های ساختاری گوش گیلکی راهگشا باشد.

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

با وجود این‌که در هیچ پژوهش مستقلی، به موضوع بررسی ساخت فعل ماضی در گوش گیلکی شرق گیلان (شهرستان‌های لاهیجان و سیاهکل) پرداخته نشده است، در برخی از پژوهش‌ها، موضوعاتی مرتبط با این حوزه انجام گرفته است که به آن‌ها اشاره می‌گردد:

یدالله ثمره (۱۳۶۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ساختاری فعل در گویش گیلکی کلاردشت» به بررسی و تحلیل فعل در این گویش پرداخته است. مصطفی حقیری لیمودهی (۱۳۷۱) در پایان‌نامه خود تحت عنوان «بررسی گروه اسمی و فعلی گویش گیلکی صومعه‌سرا» به بررسی مواردی از گروه اسمی و گروه فعلی پرداخته است. گیتی شکری (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با نام «ماضی نقلی در گویش‌های گیلان و مازندران» به بررسی نوعی ماضی نقلی که در این مناطق رواج دارد، پرداخته است. وی همچنین در مقاله‌ای دیگر (۱۳۸۰) با عنوان «بررسی برخی تغییرات در افعال مرکب و اسنادی گویش گیلکی» به بررسی این مقوله از افعال گویش گیلکی پرداخته است. احمد سمیعی گیلانی (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با نام «پیشوندهای فعل در گویش گیلکی و راه‌های بازشناسی آن‌ها» پیشوندهای گیلکی را معرفی کرده است. محرم رضایتی و جهان‌دوست سبزه‌علی‌پور (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با نام «ریشه‌ها و ماده فعل در گویش‌های تاتی و تالشی و گیلکی» به بررسی مقایسه‌ای ریشه‌ها و ماده‌های فعل‌ها در این سه گویش پرداخته‌اند. محرم رضایتی و معصومه غیوری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با نام «نوعی خاص از ماضی نقلی در شاهنامه فردوسی» در ضمن مقاله به گونه‌ای از ماضی نقلی اشاره کرده‌اند که در مناطق حاشیه دریای خزر به کار می‌رود. سید حنّان میر هاشمی جورشری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «پیشوند فعلی /bv- در گذشته ساده گیلکی از تکوین تا تصریف»، به بررسی نقش این پیشوند در صورت‌های مختلف فعل در گویش گیلکی پرداخته است؛ همچنین بخشی از کتاب‌هایی که در خصوص گویش گیلکی منتشر شده‌اند به بررسی فعل‌های گیلکی اختصاص دارند. از این میان می‌توان به کتاب‌های «گویش گیلکی رشت» (۱۳۷۴) از آرتور کریستین سن، «گویش لاهیجان» (۲۰۰۶) از نادر جهانگیری و «زبان گیلکی» (۱۳۸۷) از مسعود پورهادی اشاره کرد.

## ۲. بحث و بررسی

فعل، کلمه‌ای است که به تنهایی یا به یاری وابسته‌ها در یکی از زمان‌های سه‌گانه بر واقع شدن امری دلالت می‌کند و یا امری است که به امر دیگری اسناد داده می‌شود. مانند «فریدون رفت» و «هوشنگ زیرک است» که «رفت» به «فریدون» و «است» به یاری «زیرک» که مکمل آن است به هوشنگ اسناد داده شده است (ر.ک. فرشیدورد، ۱۳۸۳: ۷۳). از مهم‌ترین ویژگی‌های فعل، همراهی آن با سه جنبه وجه، نمود و زمان است که در تعریف هر یک می‌توان گفت:

**وجه (mood):** «فعل‌ها را به اعتبار کیفیت بیان مفهوم که خبری را برسانند یا وقوع و حالت آن را با احتمال و شرط یا جز آن همراه کنند یا فرمانی را برسانند؛ از یکی از سه وجه اخباری، التزامی و

امری به شمار می‌آورند» (انوری، ۱۳۸۴: ۷۱). وجه، از مقوله‌های فعلی است که تلقی‌گوبنده را از حالت سخن بیان می‌دارد. از این نظر فعل می‌تواند دارای وجه اخباری، التزامی، امری و تمثالی باشد.

**نمود (aspect):** «ویژگی‌های فعل را از لحاظ دلالتش بر آغاز و دوام و پایان و کمال و نقص وقوع آن و از نظر ارتباطش با زمانی معین، نمود آن می‌گویند» (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۲۴۱). انواع نمود در گویش لاهیجان و سیاهکل عبارتند از:

نمود ساده: فعل در یک نقطه از زمان انجام گرفته است، مثال: خوردم.

نمود استمراری: فعل در یک دوره زمانی در گذشته یا حال استمرار داشته است، مثال: می‌نویسم.

نمود در جریان یا مستمر: فعل در یک مرحله زمانی در گذشته یا حال در حال انجام بوده است، مثال: داشتم می‌نوشتم، دارم می‌خورم.

نمود کامل: عمل فعل به طور کامل انجام گرفته و به پایان رسیده است، مثال: نوشته بودم، خورده‌ام.

**زمان (tense):** فعل در گویش گیلکی شرق گیلان (لاهیجان و سیاهکل) مثل بسیاری از گویش‌های دیگر، از نظر زمان (tense) به ماضی، مضارع و آینده تقسیم می‌شود.

در این گویش، سه وجه اخباری، التزامی و امری وجود دارد. وجه در این گویش، همانند دیگر گونه‌های گویش گیلکی بدون نشانه است. همچنین نمود نیز در این گویش، فاقد نشانه است و از نشانه خاصی برای نشان‌دادن نمود استفاده نمی‌شود. از این رو، در بررسی فعل‌های این گویش بر اساس وجه، نمود و زمان به این تقسیم‌بندی می‌رسیم: ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی استمراری، ماضی بعید، ماضی مستمر، مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع در جریان و آینده.

## ۱-۲. ماضی مطلق (ساده)

در فارسی، ماضی ساده از ماده ماضی با افزودن شناسه‌ها که در هر صیغه تغییر پیدا کرده و مفهوم شخص و عدد را به فعل می‌افزاید، ساخته می‌شود و فقط در سوم شخص مفرد، چیزی به جزء ثابت افزوده نمی‌شود (ر.ک. خانلری، ۱۳۷۳: ۲۵). در گویش گیلکی شرق گیلان (لاهیجان و سیاهکل)، از پیوستن شناسه‌های ماضی مطلق (əm, i, im, in, ən) به ماده ماضی، فعل ماضی مطلق ساخته می‌شود. اگر فعل، ساده باشد پیشوند /bv/ یا دیگر صورت‌های آوایی آن یعنی /bə/, /bi/, /bo/، /bu/ هماهنگ با واژه ماده فعل به آغاز آن افزوده می‌شود؛ مثال: بخوردیم.

bə + kat + im = bəkatim

صرف فعل ماضی مطلق گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	bəkatəm	bəkatim
دوم شخص	bəkati	bəkatin
سوم شخص	bəkat	bəkatən

اگر فعل مطلق، منفی شود، پیشوند /nv/ (یا دیگر صورت‌های آوایی آن) حذف می‌شود و نشانه نفی /na/ یا دیگر صورت‌های آوایی آن؛ یعنی، nə، ni، no، nu در آغاز فعل قرار می‌گیرد که با نشانه نفی اصلی تفاوت معنایی ندارد؛ به عنوان مثال، صرف فعل «نخواهیدن: nuxotən»:

صرف فعل ماضی ساده منفی گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	nuxotəm	nuxotim
دوم شخص	nuxoti	nuxotin
سوم شخص	nuxot	nuxotən

اگر ساختمان فعل، پیشوندی باشد، برخلاف ساختمان فعل ساده، پیشوند /ba/ یا دیگر صورت‌های آوایی آن، به آغاز فعل افزوده نمی‌شود، به بیان دیگر پیشوند فعلی، جایگزین پیشوند /ba/ می‌شود؛ به عنوان مثال، صرف فعل «برگشتن: vəgərdəsən» با بن ماضی: «(vəgərdəs)»:

صرف فعل ماضی مطلق پیشوندی گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	vægərdəsəm	vægərdəsım
دوم شخص	vægərdəsi	vægərdəsın
سوم شخص	vægərdəs	vægərdəsən

اگر فعل پیشوندی، منفی باشد، نشانه نفی /na/ که همواره در فعل‌های پیشوندی به صورت n/ ظاهر می‌شود پس از پیشوند قرار می‌گیرد؛ به عنوان مثال، فعل «برنگشتن: vægərdəsən»:

صرف فعل ماضی مطلق پیشوندی منفی گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	vənægərdəsəm	vənægərdəsım
دوم شخص	vənægərdəsi	vənægərdəsın
سوم شخص	vənægərdəs	vənægərdəsən

اگر ساختمان فعل، مرکب باشد، به هنگام صرف، پیشوند /ba/ یا دیگر صورت‌های آوایی آن پیش از همکرد قرار می‌گیرد و همکرد همانند فعل ساده صرف می‌شود؛ به عنوان مثال، فعل «قهر کردن: qâr bogudən»:

صرف فعل ماضی مطلق مرکب گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	qâr bogudəm	qâr bogudim
دوم شخص	qâr bogudi	qâr bogudin
سوم شخص	qâr bogud	qâr bogudən

گاهی در برخی صیغه‌ها برای سهولت تلفظ در این گویش تغییرات آوایی دیده می‌شود؛ به عنوان مثال: قهر کردم qâr bodəm

اگر فعل مرکب، منفی باشد پیشوند /ba/ یا دیگر صورت‌های آوایی آن حذف می‌شود و نشانه نفی /na/ یا دیگر صورت‌های آوایی آن پیش از هم‌کرد قرار می‌گیرد؛ به عنوان مثال، فعل: «قهر نکردن»

صرف فعل ماضی مطلق مرکب منفی گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	qâr nogudəm	qâr nogudim
دوم شخص	qâr nogudi	qâr nogudin
سوم شخص	qâr nogud	qâr nogudən

تفاوت ساخت فعل ماضی مطلق در گویش گیلکی شرق گیلان (لاهیجان و سیاهکل) با ماضی مطلق در فارسی این است که در فارسی، از پیشوند /bv/ یا دیگر صورت‌های آوایی آن استفاده نمی‌شود و در ساخت آن از ماده ماضی به همراه شناسه استفاده می‌شود. در حالی که این پیشوند در گویش گیلکی لاهیجان و سیاهکل در ساخت فعل‌های ماضی ساده به کار می‌رود. این کارکرد پیشوند /bv/ و دیگر صورت‌های آوایی آن در همه گونه‌های گویش گیلکی شرق و غرب دیده می‌شود. از دیگر تفاوت‌های ساخت ماضی مطلق در گویش گیلکی شرق گیلان (لاهیجان و سیاهکل) با ماضی

مطلق در فارسی این است که صیغه سوم شخص مفرد در فارسی، شناسه تهی دارد؛ در حالی که در گویش گیلکی شرق گیلان اگر ماده ماضی به واکه ختم شود، فعل شناسه می‌گیرد.

مسئله دیگر، هماهنگی واکه‌ای است که به هنگام کاربرد عنصر منفی‌ساز برای ماضی ساده در گویش گیلکی مشاهده می‌شود؛ یعنی بسته به نوع واکه ماده فعل، از بین صورت‌های مختلف *ni*، *ne*، *nu* انتخاب می‌شود. حال آن‌که تکواژ منفی‌ساز برای ماضی ساده فارسی تنها تکواژ */na/* است.

## ۲-۲. ماضی نقلی

ماضی نقلی فعلی که نشان‌دهنده کار یا وقوع عملی است که در گذشته انجام گرفته و اثر آن تاکنون باقی مانده است. در زبان فارسی، ماضی نقلی از صفت مفعولی فعل اصلی (ماده ماضی به اضافه‌های بیان حرکت «ا») به اضافه فعل‌های معین «ام، ای، است، ایم، اید، آند» ساخته می‌شود (ر.ک. انوری ۱۳۸۴: ۳۵). در گویش گیلکی شرق گیلان (لاهیجان و سیاهکل)، ماضی نقلی از پیوستن شناسه‌های خاص ماضی نقلی به صفت مفعولی ساخته می‌شود. در صورت ساده‌بودن ساختمان فعل، پیشوند */bv/* یا دیگر صورت‌های آوایی آن هماهنگ با واکه ماده پیش از صفت مفعولی می‌آید. صفت مفعولی در این گویش، از ترکیب ماده ماضی فعل به همراه */e/* به وجود می‌آید؛ به عنوان مثال، صرف فعل «گفتن»: *(bugotən)*:

### صرف فعل ماضی نقلی گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	<i>bugotə + am</i>	<i>bugotə + im</i>
دوم شخص	<i>bugotə + i</i>	<i>bugotə + in</i>
سوم شخص	<i>bugotə + e</i>	<i>bugotə + an</i>

برای منفی‌کردن فعل ماضی نقلی در گویش شرق گیلان، پیشوند */bv/* یا دیگر صورت‌های آوایی آن حذف می‌شود و نشانه نفی */no/* یا دیگر صورت‌های آوایی آن، به آغاز فعل افزوده می‌شود؛ به عنوان مثال، صرف فعل «نگفتن»: *(nogutən)*:



صرف فعل ماضی نقلی منفی گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	nogotə + am	nogotə+im
دوم شخص	nogotə + i	nogotə + in
سوم شخص	nogotə + e	nogotə + an

در هنگام تلفظ این صورت، تکیه بر روی هجای آخر قرار می‌گیرد و نیز هنگام تلفظ مسلط و سریع یک گوینده بومی، واکه /ə/ به عنوان پسوند سازنده صفت مفعولی به خوبی شنیده نمی‌شود و بسیار نامحسوس است، گویی در صیغه دوم شخص مفرد، اول شخص جمع و سوم شخص جمع، شبیه به ماضی مطلق، نمود آوایی پیدا می‌کند و در این صیغه‌ها تنها وجه تمایزی که با ماضی مطلق شنیده می‌شود، قرار گرفتن تکیه بر سر هجای اول ماده فعل در ماضی مطلق است.

اگر ساختمان فعل ماضی نقلی، پیشوندی باشد برخلاف ساختمان فعل ساده، پیشوند /bv/ یا دیگر صورت‌های آوایی آن به آغاز فعل افزوده نمی‌شود، بلکه پیشوند فعلی، جایگزین /bv/ می‌شود؛ به عنوان مثال، صرف فعل «برداشتن: vigitən»

صرف فعل ماضی نقلی پیشوندی گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	vigitə + am	vigitə + im
دوم شخص	vigitə + i	vigitə+in
سوم شخص	vigitə+e	vigitə + an

برای منفی کردن افعال پیشوندی ماضی نقلی، درست همانند افعال پیشوندی ماضی ساده، منفی‌سازی با تکواژ /nv/ صورت می‌گیرد که بعد از پیشوند فعلی می‌آیند؛ به عنوان مثال، فعل «برنگشتن: (vəgərdəsən):»

صرف فعل ماضی نقلی پیشوندی منفی گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	vinigitə + am	vinigitə + im
دوم شخص	vinigitə + i	vinigitə + in
سوم شخص	vinigitə+e	vinigitə + an

اگر ساختمان فعل، مرکب باشد، پیشوند /bv/ در اول همکرد می‌آید؛ به عنوان مثال، فعل «پیدا کردن: peidâ bogudən»

صرف فعل ماضی نقلی مرکب گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	peidâ bogudə+am	peidâ bogudə+im
دوم شخص	peidâ bogudə+i	Peidâ bogudə+in
سوم شخص	peidâ bogudə+e	peidâ bogudə+an

برای منفی کردن صورت مرکب فعل ماضی نقلی در این گویش، عنصر منفی ساز /nv/ جانشین پیشوند تصریفی /bv/ در همکرد می‌شود؛ به عنوان مثال، فعل «پیدا نکردن: (pəidâ nogudən):»

صرف فعل ماضی نقلی مرکب منفی گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	pəidâ nogudə+am	pəidâ nogudə+im
دوم شخص	pəidâ nogudə+i	pəidâ nogudə+in

سوم شخص	pəidā nogudə+ə	pəidā nogudə+an
---------	----------------	-----------------

به طور کلی، ساخت فعل ماضی نقلی در گویش گیلکی شرق گیلان همانند تلفظ ماضی مطلق ادا می‌شود و ساختی مشخص بر پایه صفت مفعولی همچون زبان فارسی دارد. دارا بودن پیشوند تصریفی /bv/ در ساختمان ساده و همکرد در مرکب، از دیگر وجوه تمایز ماضی نقلی گویش شرق گیلان (لاهیجان و سیاهکل) با فارسی است و نیز هماهنگی واکه‌ای تکواژ /nv/ که تکواژ منفی ساز است با ماده فعل نیز یک وجه تمایز به شمار می‌رود؛ چرا که در فارسی تنها از تکواژ منفی /na/ برای ساختن ماضی نقلی منفی استفاده می‌شود.

نوع خاصی از ماضی نقلی در گویش‌های حاشیه دریای خزر به کار می‌رود که از صفت مفعولی و صرف فعل مضارع «daštən» حاصل می‌شود (ر.ک. شکری و همکاران، ۱۳۹۱: ۸). این نوع ماضی نقلی، در برخی نواحی شهرستان‌های لاهیجان و سیاهکل مشاهده می‌شود، به نحوی که صفت مفعولی ساخته شده با پیشوند /bv/ به همراه فعل‌های کمکی dar m، darə، darim، darin و darən بیان می‌شود؛ مثل فعل: «پوشیدن»: dowdən

صرف ماضی نقلی خاص گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	dowdə darəm	dowdə darim
دوم شخص	dowdə dari	dowdə darin
سوم شخص	dowdə darə	dowdə darən

برای منفی کردن آن، پیشوند /ne/ منفی ساز، به ابتدای فعل کمکی متصل می‌شود؛ به عنوان مثال، صرف فعل: «نپوشیدن»:

صرف ماضی نقلی منفی خاص گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	dowdə nədarəm	dowdə nədarim
دوم شخص	dowdə nədari	dowdə nədarin
سوم شخص	dowdə nədarə	dowdə nədarən

۳-۲. ماضی استمراری

فعلی که نشان‌دهنده تکرار فعل یا استمرار و تداوم در زمان گذشته است. در زبان فارسی، ماضی استمراری از ماضی مطلق ساخته می‌شود، بدین ترتیب که به اول ماضی مطلق جزء پیشین «می» می‌افزایند (ر.ک. انوری، ۱۳۸۴: ۴۹). گویش گیلکی شرق گیلان (لاهیجان و سیاهکل)، ماضی استمراری از ماده ماضی به همراه شناسه‌های خاص استمراری ساخته می‌شود. تنها سوم شخص مفرد بدون شناسه و به صورت ماده ماضی ظاهر می‌شود؛ به عنوان مثال، صرف فعل: «خواستن: (xâsən)»

صرف فعل ماضی استمراری گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	xâsəm	xâsim
دوم شخص	xâsi	xâsin
سوم شخص	xâs	xâsən

برای منفی کردن این افعال، تکواژ منفی ساز /nə/ به عنوان پیشوند به اول آن اضافه می‌شود؛ به عنوان مثال، صرف فعل «نخواستن: (nəxâsən):»

صرف فعل ماضی استمراری منفی گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	nəxâsəm	nəxâsim
دوم شخص	nəxâsi	nəxâsin
سوم شخص	nəxə	nəxâsən

حالت منفی این نوع افعال، ساختاری شبیه به ساختار منفی افعال ماضی مطلق دارند و تنها وجه تمایز آن‌ها در جایگاه تکیه به هنگام تلفظ است. در ماضی ساده، تکیه بر روی /n/ نفی در ابتدای کلمه در هجای آغازین و در ماضی استمراری بر روی هجای پایانی قرار می‌گیرد.

افعال پیشوندی نیز در ماضی استمراری همانند افعال ساده صرف می‌شوند. تنها وجه تمایز در صرف صورت منفی آن است که در افعال پیشوندی عنصر منفی‌ساز /n/ پس از پیشوند فعلی قرار می‌گیرد؛ به عنوان مثال، فعل «برمی‌گردم: (vəgərdənəm)» که به «برنمی‌گردم: (vənəgərdənəm)» تبدیل می‌شود.

اگر ساختمان فعل، مرکب باشد، برای صرف آن، هم‌کرد به صورت فعل ساده صرف می‌شود؛ به عنوان مثال، صرف فعل «درس خواندن: (dərs xondən)»:

صرف فعل ماضی استمراری مرکب گویش گیلکی

	مفرد	جمع
اول شخص	dərs xondəm	dərs xondim
دوم شخص	dərs xondi	dərs xondin
سوم شخص	dərs xond	dərs xondən

برای منفی کردن این ساختار، از پیشوند /nu/ در ابتدای هم‌کرد استفاده می‌شود؛ به عنوان مثال، فعل «درس نخواندن: (dərs nuxondən)»:

صرف فعل ماضی استمراری مرکب منفی گویش گیلکی

	مفرد	جمع
اول شخص	dərs nuxondəm	dərs nuxondim
دوم شخص	dərs nuxondi	dərs nuxondin
سوم شخص	dərs nuxond	dərs nuxondən

در ماضی استمراری زبان فارسی، پیشوند تصریفی /mi/ وجود دارد، در حالی که ماضی استمراری در گویش گیلکی لاهیجان و سیاهکل، فاقد پیشوند تصریفی است. در نتیجه برای این ساختار میان گیلکی لاهیجان و سیاهکل و فارسی می‌توان تفاوت آوایی، واژگانی و ساختاری قائل شد.

برای منفی کردن ماضی استمراری، نشانه نفی /na/ یا دیگر صورت‌های آوایی آن، یعنی nə، ni، no، nu در آغاز فعل قرار می‌گیرد؛ به عنوان مثال:

نمی‌دانستم: nodonəstəm → می‌دانستم: donəstəm

اگر فعل، مرکب منفی باشد، نشانه نفی /na/ یا دیگر صورت‌های آوایی آن قبل از همکرد قرار می‌گیرد؛ به عنوان مثال:

تلنگر نمی‌زدم tungulu nizayim → تلنگر می‌زدم tungulu zayimə

در گویش گیلکی لاهیجان و سیاهکل، ماضی استمراری در مفهوم تمنا و خواست و آرزو نیز به کار می‌رود؛ به عنوان مثال:

اگر دیروز مرا می‌دید، می‌خندیدی: agər diruz marə dəi,xandə gudi

۲-۴. ماضی بعید

فعلی که نشان‌دهنده عملی است که در گذشته دور پیش از فعل دیگری تحقق یافته باشد. در زبان فارسی، ماضی بعید از صفت مفعولی فعل اصلی (ماده ماضی به اضافه «ه») و ماضی مطلق فعل معین («بودن») ساخته می‌شود (ر.ک. انوری، ۱۳۸۴: ۵۱). در گویش گیلکی لاهیجان و سیاهکل، ماضی بعید از

صفت مفعولی فعل اصلی و صرف ماضی فعل «بودن: (boa:n)» (bon, bin, bim, bo, bi, bom) ساخته می‌شود. در صورت ساده‌بودن فعل، پیشوند /ba/ یا دیگر صورت‌های آوایی آن، هماهنگ با واژه ماده فعل پیش از صفت مفعولی قرار می‌گیرد؛ به عنوان مثال، صرف فعل «ایستادن: (isan):»

صرف فعل ماضی بعید گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	isâ bam	isâ bim
دوم شخص	isâ bi	isâ bin
سوم شخص	isâ bo	isâ bon

برای منفی کردن فعل ماضی بعید با ساختار ساده، پیشوند /nv/ جایگزین /bv/ می‌شود؛ به عنوان مثال، فعل «رفتن: (šo:n):»

صرف فعل ماضی بعید منفی گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	nošo bom	nošo bim
دوم شخص	nošo bi	nošo bin
سوم شخص	nošo bo	nošo bon

اگر ساختمان فعل، پیشوندی باشد، بر خلاف ساختمان فعلی ساده، پیشوند تصریفی به آغاز صفت مفعولی افزوده نمی‌شود و پیشوند فعلی جایگزین آن می‌شود؛ به عنوان مثال، «برداشتن: (vigitən):»

صرف فعل ماضی بعید پیشوندی گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	vigitə bom	vigitə bim
دوم شخص	vigitə bi	vigitə bin
سوم شخص	vigitə bo	vigitə bon

برای منفی کردن افعال پیشوندی ماضی بعید، /nv/ پس از از پیشوند فعل قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، فعل «برنداشتن: (vinigitən):»

صرف فعل ماضی بعید پیشوندی منفی گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	vinigitə bom	vinigitə bim
دوم شخص	vinigitə bi	vinigitə bin
سوم شخص	vinigitə bo	vinigitə bon

اگر ساختمان فعل، مرکب باشد، پیشوند /bv/ پیش از صفت مفعولی قرار می‌گیرد؛ به عنوان مثال، فعل «پیدا کردن: (pəidâ godən):»



صرف فعل بعید مرکب گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	pəidâ bogudə bom	pəidâ bogudə bim
دوم شخص	pəidâ bogudə bi	pəidâ bogudə bin
سوم شخص	pəidâ bogudə bo	pəidâ bogudə bon

اگر فعل، مرکب منفی باشد، پیشوند /bv/ جایگزین /nv/ می‌شود؛ به عنوان مثال، فعل «پیدا نکردن»: pəidâ nogudən:

صرف فعل ماضی بعید مرکب منفی گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	pəidâ nogudə bom	pəidâ nogudə bim
دوم شخص	pəidâ nogudə bi	pəidâ nogudə bin
سوم شخص	pəidâ nogudə bo	pəidâ nogudə bon

در گویش گیلکی شرق گیلان (لاهیجان و سیاهکل)، ماضی بعید برای بیان شرط و تمنا نیز به کار می‌رود.

اگر کتابت را پیدا کرده بودم به تو می‌دادم:

agər ti kitabə pəida bogudə bom tara hadana bom

در ساختار زبان فارسی، ماضی بعید فاقد پیشوند تصریفی است اما در گویش گیلکی شرق گیلان (لاهیجان و سیاهکل) ماضی بعید، دارای پیشوند تصریفی /bv/ است. بنابراین میان ماضی بعید در زبان فارسی و گویش گیلکی از لحاظ ساختار، واژگانی و آوایی تفاوت‌هایی دیده می‌شود.

۲-۵. ماضی ملموس (ناتمام)

در زبان فارسی، ماضی ملموس از ماضی استمراری و ماضی مطلق «داشتن» ساخته شده است و بر خلاف ماضی نقلی و بعید و التزامی و جز آن‌ها، فعل معین در ماضی ملموس پیش از فعل اصلی می‌آید و هر دو فعل؛ یعنی هم فعل معین و هم فعل اصلی صرف می‌شوند (ر.ک. انوری، ۱۳۸۴: ۵۶). ماضی ملموس در گویش گیلکی شرق گیلان (لاهیجان و سیاهکل) بر عکس زبان فارسی است و علاوه بر تفاوت‌های واژگانی و آوایی، تفاوت دستوری نیز دارند. در این گویش، برای معادل فعل «داشتن» فارسی، از فعل «dəbon» استفاده می‌شود که بر عکس زبان فارسی، پس از فعل اصلی قرار می‌گیرد و تنها فعل اصلی صرف می‌شود. گاهی فعل اصلی به صورت ماده ماضی و گاهی به صورت صفت مفعولی ظاهر می‌شود که گزینش هریک از آن‌ها تا حدودی به تفاوت‌های گونه‌های فردی مربوط می‌شود؛ به عنوان مثال، فعل «داشتند می‌گذرانند»: gozarāndə dəbom:

صرف فعل ماضی ملموس گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	gozarāndə dəbom	gozarāndə dəbim
دوم شخص	gozarāndə dəbi	gozarāndə dəbin
سوم شخص	gozarāndə dəbo	gozarāndə dəbon

برای منفی کردن ماضی ملموس فعل با ساختمان ساده، نشانه نفی /ne/ بعد از /de/ در /debon/ قرار می‌گیرد؛ به عنوان مثال، فعل «داشتند نمی‌نوشتند»: nivištə dəbon:

صرف فعل ماضی منفی ملموس گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	nivištə dənə bom	nivištə dənə bim
دوم شخص	nivištə dənə bi	nivištə dənə bin

سوم شخص	nivištə dənə bo	nivištə dənə bon
---------	-----------------	------------------

در مورد افعال پیشوندی که با شیوه و شناسه‌های افعال ساده صورت می‌پذیرد باید گفت که تنها وجه تمایز آن‌ها، استفاده از صفت مفعولی برای صرف ماضی مستمر است؛ به عنوان مثال، صرف فعل «داشتند برمی‌داشتند: (vigitə dəbon):»

صرف فعل ملموس پیشوندی گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	vigitə dəbom	vigitə dəbim
دوم شخص	vigitə dəbi	vigitə dəbim
سوم شخص	vigitə dəbo	vigitə dəbon

صورت منفی فعل پیشوندی در ماضی مستمر، از قرار گرفتن /n/ بعد از /d/ در /dəbon/ است؛ یعنی شبیه فعل دارای ساختمان ساده است؛ به عنوان مثال، فعل «داشتند بر نمی‌داشتند: vinigitə dəbon):»

صرف فعل ملموس پیشوندی منفی گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	vigitə dənəbom	vigitə dənəbim
دوم شخص	vigitə dənəbi	vigitə dənəbim
سوم شخص	vigitə dənəbo	vigitə dənəbon

افعال مرکب نیز به همان صورت افعال ساده ماضی مستمر ساخته می‌شوند؛ یعنی ماده ماضی به همراه صورت‌های صرف‌شده فعل ساده /dəbon/، مانند فعل «پیدا کردند: (pəidā bogodən):»

صرف فعل ملموس مرکب گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	pəidâ gudə dəbom	pəidâ gudə dəbim
دوم شخص	pəidâ gudə dəbi	pəidâ gudə dəbin
سوم شخص	pəidâ gudə dəbo	pəidâ gudə dəbon

برای منفی کردن این افعال، دقیقاً همانند فعل ساده و پیشوندی عمل می‌شود؛ یعنی /nə/ بعد از /də/ در /dəbon/ قرار می‌گیرد.

صرف فعل ملموس مرکب منفی گویش گیلکی شرق گیلان

	مفرد	جمع
اول شخص	pəidâ gudə dənəbom	pəidâ gudə dənəbim
دوم شخص	pəidâ gudə dənəbi	pəidâ gudə dənəbin
سوم شخص	pəidâ gudə dənəbo	pəidâ gudə dənəbon

۳. نتیجه‌گیری

فعل در گویش گیلکی شرق گیلان همانند فارسی بر دو پایه ماضی و مضارع و برخی اسم‌ها و صفت‌ها ساخته شده است. در زبان فارسی برای ساخت ماده سببی، پسوند /ân/ به ماده ماضی می‌چسبد ولی در گویش گیلکی شرق گیلان (لاهیجان و سیاهکل) به صورت /an/ ظاهر می‌شود و فقط تفاوت آوایی میان آن‌ها دیده می‌شود. این گویش در پیشوندهای فعلی و نیز پیشوندهای تصریفی نیز تفاوت‌های ساختاری و آوایی با زبان فارسی دارد.

از اجزای دیگر فعل، ساختمان شناسه‌ها است که در فارسی و گیلکی تعدادشان محدود است و میان این شناسه‌ها در دو گونه، تفاوت‌هایی آوایی وجود دارد و برخی از این شناسه‌ها هنگام اتصال به ماده فعل، تغییراتی می‌یابند؛ به عنوان مثال، هنگامی که ماده فعل به واکه ختم شود این شناسه‌ها دچار تغییرات آوایی می‌شوند.

با بررسی وجوه فعل در گویش گیلکی شرق گیلان و زبان فارسی این نتایج حاصل شد: در وجه اخباری گیلکی شرق گیلان، برای ماضی ساده، پیشوند تصریفی /bv/ پیش از ماده ماضی وجود دارد در حالی که این پیشوند در زبان فارسی وجود ندارد و همین امر تفاوت‌های ساختاری آن‌ها را بیان می‌کند. در این گونه، تفاوت واژگانی میان ریشه و ماده فعلی و تفاوت‌های آوایی میان آن‌ها بسیار مشهود است. در این وجه برای ماضی نقلی نیز همچون ماضی ساده، وجود پیشوند تصریفی /bv/ در ساخت ساده و یا در همکرد فعل مرکب گویش گیلکی شرق گیلان در مقابل وجودنداشتن پیشوند برای این نمود، تفاوتی ساختاری محسوب می‌شود. در زبان گیلکی شرق گیلان یک نوع خاص ماضی نقلی وجود دارد که خاص گویشوران این گویش است و ساختار آن این گونه است: صفت مفعولی + صورت تصریفی /bv/ + یکی از افعال کمکی dari, darəm. چنین ساختاری در زبان فارسی وجود ندارد. میان ماضی بعید در زبان فارسی با گویش گیلکی شرق گیلان تفاوت‌های ساختاری دیده می‌شود. ماضی بعید در گویش گیلکی دارای پیشوند تصریفی است در صورتی که این پیشوند تصریفی در زبان فارسی دیده نمی‌شود. این دو، تنها یک شباهت دارند و آن این است که در هر دوی آن‌ها از صفت مفعولی + فعل بودن (bo:n) استفاده می‌شود. میان ماضی مستمر در زبان فارسی و گویش گیلکی تفاوت دستوری دیده می‌شود؛ به این معنا که در فارسی ابتدا فعل معین سپس فعل اصلی می‌آید ولی در گویش گیلکی این ساختار معکوس است. تفاوت دیگر این است که در گویش گیلکی، تنها فعل معین صرف می‌شود اما در زبان فارسی، هم فعل معین و هم فعل اصلی صرف می‌شوند.

## منابع

### کتاب‌ها

۱- ارانسکی، یوسف، (۱۳۷۸)، زبان‌های ایرانی، ترجمه دکتر علی اشرف صادقی، تهران: سخن.

۲- انوری، حسن، (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی، جلد اول، دانشگاه پیام نور.

۳- خانلری، پرویز، (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات توس.

- ۴- سمیعی، احمد، (۱۳۸۱)، «پیشوندهای فعلی در گویش گیلکی و راه‌های بازشناسی آن‌ها»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران، به کوشش حسن رضائی باغ‌بیدی، نشر آثار، ص ۲۸۵-۲۹۹.
- ۵- طیب‌زاده، امید، (۱۳۸۵)، ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز، تهران: نشر مرکز.
- ۶- فرشیدورد، خسرو، (۱۳۸۳)، فعل و گروه فعلی و تحوّل آن در زبان فارسی، پژوهش در دستور تاریخی زبان فارسی، تهران: سروش.
- ۷- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۸)، دستور مختصر امروز بر پایه‌ی زبان‌شناسی جدید، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- ۸- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی، (۱۳۸۳)، دستور زبان فارسی، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.

#### پایان‌نامه

- حقیری لیمودهی، مصطفی، (۱۳۷۱)، بررسی گروه اسمی و گروه فعلی در گویش گیلکی صومعه‌سرا، دانشگاه علامه طباطبایی، به راهنمایی علی‌اشرف صادقی.

#### مقاله‌ها

- ۱- ثمره، یدالله، (۱۳۶۷)، «تحلیل ساختاری فعل در گویش گیلکی کلاردشت»، مجله زبان و ادبیات فارسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، صص ۱۶۹-۱۸۷.
- ۲- رضایتی، محرم؛ سبز علیپور، جهان‌دوست، (۱۳۸۷)، «ریشه و ماده فعل در گویش‌های تانی و تالشی و گیلکی»، ادب پژوهی، ش ۶، صص ۱۱۱-۱۳۲.
- ۳- \_\_\_\_\_ و غیوری، معصومه، (۱۳۹۱)، «نوعی خاص از ماضی نقلی در شاهنامه فردوسی»، فنون ادبی، ش ۱، سال چهارم، صص ۱-۱۲.
- ۴- شکری، گیتی، (۱۳۷۹)، «ماضی نقلی در گویش‌های گیلان و مازندران»، نامه فرهنگستان، ش ۱۶، ص ۵۹-۶۹.

- ۵- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۰)، «بررسی برخی تغییرات در افعال مرکب و اسنادی گویش گیلکی»، مجله فرهنگ، بهار و تابستان ۱۳۸۰، صص ۱۵۹-۱۶۷.
- ۶- میرهاشمی جورشری، سید حنان، (۱۳۹۱)، «پیشوند فعلی (-bv) در گذشته ساده گیلکی از تکوین تا تصریف»، ادب پژوهی، ش ۲۰، صص ۱۱۱-۱۳۴.